



ارزیابی نیاز دانشجو معلمان رشته ابتدایی دانشگاه فرهنگیان (پریس‌های شهر

اصفهان) به آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری

حسین تحویلان^۱

چکیده: هدف از این پژوهش، ارزیابی نیاز دانشجو معلمان رشته ابتدایی به آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری است. از ۱۳۸۹ به این سو رویکرد آموزش هنر در مدارس ابتدایی به رویکرد تربیت هنری تغییر کرده است. با تکیه بر همین رویکرد، کتاب‌های راهنمای معلم تهیه شده است. در دانشگاه فرهنگیان نیز با رویکرد مذکور، ۵ واحد درسی به دانشجو معلمان رشته ابتدایی ارائه می‌شود. مسئله این است که آیا کیفیت و کمیت این ۵ واحد هنری، درک درست و مهارت‌های لازم را برای اجرای رویکرد تربیت هنری در دانشجویان فراهم می‌آورد؟

روش این پژوهش، توصیفی، پیمایشی و تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش، ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه از ۵۰۰ دانشجویان رشته ابتدایی کارشناسی پیوسته و ناپیوسته مشغول به تحصیل در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان است. این افراد به صورت اتفاقی انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهارت‌های هنری و باور به ارزش‌های آموزشی هنر، در مصاحبه شوندگان با اهداف رویکرد تربیت هنری در یک راستا نمی‌باشد.

مقدمه

هنر یکی از مواد مورد مطالعه دانش‌آموزان دوره ابتدایی است که در جدول درسی، هفته‌ای دو ساعت به آن اختصاص داده شده است. درس هنر می‌تواند با ایجاد فضایی آزاد، به تقویت حواس، استعدادها، خلاقیت و ظرفیت‌های نهفته هوش کودکان کمک کند تا بدین وسیله فطرت پاک کودکان به خوبی نمایان شود و خصلت‌های نیک و فضایل آنها را پرورش دهد. در حوزه هنر هر یک از انواع هوش در ارتباط با هوش‌های دیگر می‌توانند برای تولید و فهم آثار هنری استفاده

شود (رادپور، ۱۳۹۱: ۱۲). اهمیت‌یابی دوباره هنر در دوره ابتدایی از ۱۳۸۹ و با تغییر رویکرد^۱ آموزشی این درس آغاز گردید. با توجه به رویکرد جدید آموزش و پرورش نسبت به تدریس درس هنر، نیاز به آموزگاران آگاه از رویکرد تربیت هنری و با مهارت کافی در آموزش تکنیک‌های هنر می‌باشد. هدف این پژوهش ارزیابی میزان نیاز دانشجو معلمان رشته ابتدایی به آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری^۲ است. این موضوع از یک سو با کیفیت تدریس هنر با توجه به اهداف آموزش و پرورش بستگی دارد و از سوی دیگر به توانایی‌های هنری و آگاهی دانشجو معلمان از رویکرد تربیت هنری پیوند می‌خورد. بدین جهت طرح این سوال‌ها مفید می‌باشد: نخستین، رویکردهای آموزش هنر ویژه دانش آموزان دوره ابتدایی کدام است؟ ویژگی‌های رویکرد تربیت هنری چیست؟ سیر تحولات آموزش هنر در مدارس ابتدایی چگونه شکل گرفته است؟ با پاسخ به پرسش‌های مذکور، نمایی از توانمندی هنری آموزگاران آموزش و پرورش روشن می‌شود. در گام دوم بررسی مهارت‌های هنری دانشجو معلمان و آموزگاران و باورهای آنها نسبت به رویکرد آموزش هنر مد نظر قرار می‌گیرد تا سطح تفاوت بین کیفیت مطلوب و وضعیت موجود پدیدار شود. موضوع دیگری که در کنار نخستین سوال مطرح می‌شود، این است که تا چه مقدار بسترهای لازم برای آموزش دانشجو معلمان در دانشگاه فرهنگیان فراهم آمده تا آن‌ها در زمان شاغل شدن بتوانند درس هنر را با رویکردهای مطلوب آموزش و پرورش ارائه دهند؟ بدین خاطر نگاهی به بسترهای آموزشی دانشگاه فرهنگیان برای درس هنر در رشته آموزش ابتدایی خواهیم انداخت. بدین ترتیب کمبودهای آموزش‌های هنری دانشگاه فرهنگیان مشخص می‌شود.

مبانی نظری رویکردهای جدید آموزش هنر برای دانش آموزان ابتدایی در ایران
رویکردهای متفاوتی در آموزش هنر مطرح است. بطور خلاصه به بعضی پرداخته می‌شود.^۳

۱. رویکرد (Approach) دیدگاه کلی که در سرتاسر برنامه حاکم است و آن را پوشش می‌دهد.
۲. این عبارت در کتاب‌های راهنمای درس هنر برای مشخص کردن رویکرد آموزشی این درس بکار گرفته شده است.
۳. نام‌های اختصاری که برای رویکردهای آموزش هنر مورد استفاده قرار می‌گیرد، تا حدود زیادی محتوای آن را هم روشن می‌نماید. برای نمونه رویکرد Ccae ابتدای واژه‌های -Child Centered Art Education می‌باشد، که در زبان فارسی رویکرد کودک محور را مشخص می‌کند. مخفف Dbae شروع واژه‌های Discipline – Based Art Education می‌باشد، این رویکرد با نام‌های رویکرد دیسیپلین محور، تربیت هنری و آموزش هنر بر مبنای -چهار مولفه، معروف است. سر واژه‌های Iba نیز کلمات Issues – Based Approach را نشان می‌دهد که رویکرد هنر موضوع مدار را نشان می‌دهد.

گودالیوس^۱ و اسپیرز^۲ (۱۳۹۰) در کتاب رویکردهای معاصر در آموزش هنر، سه رویکرد در آموزش هنر را معرفی می‌کنند که به این شرح است:

فرمالیست^۳ تئوری قرن هجدهم امانوئل کانت^۴ تحکیم کننده فلسفی و تبیین زیبا شناختی فرمالیسم می‌باشد. بر این اساس، عکس‌العمل در مقابل آثار هنری، چگونگی تفسیر هنر و نحوه قضاوت مردم بر هیچ مبنایی جز خود اثر صورت نمی‌پذیرد. رویکرد فرمالیسم خط، رنگ، شکل / فرم، بافت، فضا و ارزش را (تحت عنوان مبانی هنر) طرح می‌کند و به تعادل، تأکید، تناسب، حرکت، ریتم، تکرار، نمونه/ الگو، تضاد، تنوع (کثرت)، فردیت (وحدت) تحت عنوان اصول هنر توجه می‌کند (گودالیوس، ۱۳۹۰: ۲۰).

کودک محور: رویکرد کودک محور با نام ویکتور لوان فلد^۵ همراه است. از دیدگاه رویکرد کودک-محور، اساساً هنر عبارت است از توضیح و تبیین تغییرات کودک در پروسه رشد او. در این رویکرد به کودک به عنوان فردی نگاه می‌کنند که بیان هنری او بازتاب مکان زندگی و نحوه ارتباط وی با محیط خویش می‌باشد. کنترل و کاربرد مواد توسط کودک، نمایانگر بیانی خلاق از خود اوست (گودالیوس، ۱۳۹۰: ۲۶).

آموزش هنر بر مبنای -چهار مؤلفه: محصول هنری، تاریخ هنر، نقد هنری، زیباشناختی: در اواسط دهه هشتاد ۱۹۸۰، هنگامی که پژوهشگران پی بردند که کودکان حقیقتاً می‌توانند از جهان هنری که توسط نقادان هنر حرفه‌ای، زیباشناسان، تاریخ‌شناسان هنر و هنرمندان ساخته و به نمایش در آمده است، آموزش ببینند. تحول اساسی دیگری در زمینه آموزش هنر (نظری و عملی) رخ داد. برنامه‌ریزی آموزشی به جای هنر بر کودک جا به جا گردید. مهرمحمدی (۱۳۸۳) در کتاب آموزش عمومی هنر اعتقاد به ۵ رویکرد در آموزش هنر دارند که عبارت است از: ۱- رویکرد سنتی ۲- رویکرد دیسپلین محور ۳- رویکرد تولید محور ۴- رویکرد پرورش منش‌های ممتاز فکری ۵- رویکرد معرفت زیبا شناختی. با توجه به توضیحات ذکر شده

-
1. Yvonne Gaudelius
 2. Peg Speirs
 3. Formalist
 4. Immanuel Kant
 5. Victor Lowenfeld
 6. Discipline – Based Art Education (Dbae)

در مورد رویکردهای سه گانه گودالیوس و اسپیرز، در این قسمت تنها به رویکردهایی اشاره می‌شود که در بخش قبل معرفی نشده است.

رویکرد سنتی - هنگامی که هنر را صرفاً، به عنوان حوزه‌ای که اختصاص به ابزار خلاقانه خویش دارد، معرفی کنیم قائل به رویکرد سنتی هستیم.

رویکرد تولید محور - نظرات گاردنر^۱ در زمینه چگونگی ترکیب یافته‌های ناظر به رشد و تحول طبیعی انسان^۲ و یادگیری در چارچوب نظام رسمی آموزشی^۳، بحثی کلی است که از نظر وی پیش نیاز یا مبنای نظری او در رویکرد تولید محورش به آموزش هنر است. او چنین اظهار می‌دارد که دانش‌آموزان در جریان رشد خود، در تعامل با محیط‌های رسمی تعلیم و تربیت، باید پنج نوع دانش را فرا گیرند و با یکدیگر تلفیق کنند. از نظر گاردنر، دانش ناظر به فراگیری بازی-ها، فعالیت‌های تفریحی، اشکال هنر، مناسک، آداب مذهبی، حرفه‌ها و... است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

رویکرد پرورش منش‌های ممتاز فکری^۴: این رویکرد مطرح می‌کند از طریق هنر می‌توان با اساسی‌ترین آفات فکری که انسان‌ها نوعاً به آن مبتلا هستند مقابله نمود و عادات و منش‌های ممتازی را جایگزین آنها ساخت (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

رویکرد معرفت زیباشناختی^۵ - رویکرد معرفت زیباشناختی به دانستن، در چهار زمینه یا چهار نوع (دانستن) در حوزه هنر عنایت دارد که عبارتند از: (دانستن درون^۶)، (دانستن چگونه^۷)، (دانستن درباره^۸) یا (دانستن اینکه^۹) و بالاخره (دانستن چرا^{۱۰}) (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۱۹).

1. Howard Earl Gardner
2. Natural Development
3. Formal Schooling
4. Thinking Disposititttio
5. Aesthetie Cognition
6. Knowing Of Or Within
7. Knowing How
8. Knowing About
9. Knowing That
10. Knowing Why

رویکرد دیسیپلین محور: مقایسه اهداف و ویژگی‌های تربیت هنری با رویکرد دیسیپلین محور

مشخص می‌کند این رویکرد نزدیکی فراوانی به تربیت هنری دارد. به همین علت این رویکرد را مورد بررسی بیشتری قرار می‌دهیم. «این اصطلاح برای نخستین بار در مقاله‌ای توسط گریر^۱ به کار گرفته شد که در سال ۱۹۸۴ به چاپ رسیده است (مهرمحمدی ۱۳۸۹: ۹۸)». رویکرد دیسیپلین محور در سایر کشورها نیز مورد توجه قرار گرفته است در ترکیه روش‌های رویکرد مذکور مورد اجرا قرار می‌گیرد برکین ترکان در پژوهشی به شیوه‌های اجرایی تلفیقی هنر در ترکیه اشاره می‌کند و نتایج اجرا را مورد بررسی قرار می‌دهد (ترکان^۲ و یاسار^۳، ۲۰۱۱). در کشور استرالیا آموزش هنر بخشی از برنامه درسی ملی جدید این کشور است. تدریس تلفیقی هنرهایی مانند رقص، تئاتر، رسانه‌ها، موسیقی و هنرهای تجسمی در درس ملی این کشور گنجانده شده است (لمون^۴، ۲۰۱۳).

چگونگی اجرایی رویکرد هنر دیسیپلین محور در مدارس آمریکا موضوع پژوهش‌های زیادی بوده است، از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله "هنر تلفیقی: آنچه که واقعا در کلاس‌های ابتدایی اتفاق می‌افتد؟" اشاره کرد. این مقاله به تفسیر جزئیات اجرای رویکرد هنر دیسیپلین محور اشاره کرده و نتیجه می‌گیرد اجرای آموزش تلفیقی با هنر موجب اطمینان بخشی به دانش‌آموزان شده است (Lisa2013: 3).

رویکرد هنر دیسیپلین محور در نگاه عمومی به هنر و درگیر شدن هنر با موضوعات اجتماعی و حیاتی زندگی، شیوه‌های نوینی از آموزش هنری را ایجاب می‌نمود. مفروضاتی را که رویکرد دیسیپلینی محور بر آن‌ها استوار است، بدین شرح است:

۱. جریان رشد کودک، جریان یک سوپه و منحصرأ از درون به بیرون نیست. به حرکت بیرون به درون، یعنی رشد و یادگیری که منشأ و مبدأ بیرونی دارد، نیز باید هم زمان توجه شود. بدین ترتیب، رویکرد دیسیپلین محور یادگیری هنر را صرفاً متکی به تدارک مواد و منابع برای استفاده دانش‌آموزان نمی‌داند، بلکه یادگیری را مستلزم تدارک آموزش حمایت کننده و مشوق نیز می‌داند.

1. Greer
2. Turkcan
3. Yasar
4. Lemon

۲. کسب مهارت‌های هنری، در خلق و ادراک هنر، ماهیتاً ظریف و دشوار است. کسب این مهارت‌ها مستلزم صرف دقت، تمرین و تکرار، کاوش و تداوم کوشش و تمرین است.

۳. یادگیری هنر، باید با جریان رشد دانش‌آموزان همخوانی داشته باشد.

۴. تکالیف برنامه‌ای (یادگیری) که برای دانش‌آموزان طراحی می‌شود باید برای آن‌ها معنادار باشد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان باید انگیزه درونی برای انجام تکالیف یادگیری داشته باشند و

جریان یاددهی - یادگیری به انگیزش بیرونی متکی نباشد (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۹۸).

در این جا برای ایجاد شناخت بهتر از هنر دیسپلین محور به چهار مؤلفه: محصول هنری، تاریخ هنر، نقد هنری، زیبا شناختی اشاره می‌کنیم.

محصول هنری: از آنجایی که در هنر دیسپلین محور، محصول هنری با زیبایی شناختی، نقد هنری و تاریخ هنر همراه است، دامنه فعالیت آن غالباً وسیع‌تر از فعالیت هنری کلاس‌های هنر بر مبنای تولید محصول هنری؛ یعنی همان نگاه سنتی است. محصول هنری به اشکال متنوع و گوناگونی ارائه می‌گردند، در ارتباط با اشکال دو بعدی می‌توان از طراحی و نقاشی مثال آورد، کارهای هنری سه بعدی به شکل کاردستی ارائه می‌گردند. (گودالیوس، ۱۳۹۰: ۲۶).

تاریخ هنر: پدیده‌های هنری در طول تاریخ پاسخگوی نیازهای اجتماعی زمان خود بوده‌اند. اما آثاری که پس از تاریخ مصرفشان جایگاه خود را حفظ می‌کنند برای کودکان به عنوان انسان معاصر، مهم جلوه می‌کنند. برای همین شناخت بستر تاریخی یک اثر برای کودکان جالب می‌نماید.

نقد هنری: «نقاد و پژوهشگر هنر، تری بارت^۱، نقد هنری^۲ را زبانی متفکر و اندیشمندانه می‌داند، که به منظور توسعه شناخت و قدردانی از هنر و نقش آن در جامعه بیان می‌شود.

اگر دریافت معنای اثر هنری به عنوان هدف اول نقد هنر باشد، هدف دوم نقد هنری که دست کمی هم از هدف اول ندارد و در پیوند با آن است، لذت بردن از اثر است (قره باغی، ۱۳۸۰: ۲۳).

1. Terry Barrett
2. Art Criticism

زیبایی شناسی: شاخه‌ای از فلسفه می‌باشد که شامل تئوری‌های گوناگون زیباشناختی یا وابسته به زیبایی می‌باشد و برای قضاوت هنر به ما یاری می‌رساند (گودالیوس، ۱۳۹۰: ۲۹).

تحولات آموزش هنر در مدارس ابتدایی ایران

نگاهی به تحولات آموزش هنر در مدارس ابتدایی ایران نشان می‌دهد، این درس تحولات زیادی را در حیطه سرفصل و ساعت تدریس پشت سر گذاشته است. در جدول شماره ۱ تغییرات سرفصل‌ها هنر نشان داده می‌شود.

جدول ۱- تغییرات سرفصل درس هنر از ۱۳۱۶ تا ۱۳۹۱

ردیف	سال	سرفصل‌ها
۱	۱۳۱۶	سرود، نقاشی و رسم، تعلیم خط
۲	۱۳۱۹	سرود، نقاشی و کاردستی یا تعلیم خط، رسم و نقاشی
۳	۱۳۲۸	سرود، نقاشی و کاردستی، خوش نویسی، مشق خط
۴	۱۳۴۲	هنر و کاردستی، سرود
۵	۱۳۴۵	هنر و کاردستی
۶	۱۳۵۸	هنر و تعلیم خط
۷	۱۳۷۳	نقاشی، کاردستی، خوشنویسی
۸	۱۳۹۱ تا کنون	نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه گویی، نمایش

با توجه به سرفصل‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۹۱ متوجه می‌شویم نقاشی در تمام زمان‌ها به عنوان یکی از دروس مورد استفاده قرار گرفته است. شاید به همین دلیل می‌باشد که دانش‌آموزان و دانشجویان، درس هنر را معادل نقاشی تعبیر می‌کنند. کاردستی رتبه دوم را و تنها در دو دوره نام آن حضور ندارد. خوشنویسی در رتبه سوم قرار می‌گیرد و سرود (موسیقی) در رتبه چهارم است. جدول شماره ۲ میزان زمان اختصاص داده شده به درس هنر در هفته را نشان می‌دهد^۱.

۱. اطلاعات جدول شماره ۱ و ۲ با الهام از اطلاعات درج شده در کتاب آموزش عمومی هنر چيستی چرایی چگونگی آقای مهرمحمدی (۱۳۸۳)، ارائه شده است.

جدول شماره ۲ - زمان اختصاص یافته به فعالیت‌های هنری در آموزش ابتدایی بین سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۷۳

زمان پایه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
۱۳۰۶	-	-	-	-	-	-
۱۳۱۶	۱	۱	۳	۴	۳	۳
۱۳۱۹	۱	۴	۴	۴	۶	۶
۱۳۲۸	۱	۲	۵	۵	۶	۶
۱۳۴۲	۵	۵	۵	۵	۸	۸
۱۳۴۵	۵	۵	۴	۴	۴	*
۱۳۵۸	۲	۳	۳	۲	۲	*
۱۳۷۳	۲	۲	۱/۵	۱/۵	۱/۵	*

در سال ۱۳۲۸، زمان ورزش و سرود روی هم شش ساعت و نیم بود؛ مصوب جلسه ۶۶۹ شورای عالی فرهنگ، در سال ۲۸ شمسی

با توجه به آمار ارائه شده در جدول شماره ۲، سال ۱۳۴۲ بیشترین زمان به هنر اختصاص داده شده است و کمترین زمان متعلق به سال ۱۳۷۳ می‌باشد. در حال حاضر «۱۳۹۴» زمان کلاس هنر در دوره ابتدایی به مدت ۲ ساعت است. البته بسیاری از مدارس همچنان طبق بخشنامه‌های ۱۳۷۳ عمل می‌کند.

پس از انقلاب اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی تأکید بر تدریس نقاشی، خوشنویسی و کاردستی قرار گرفت. از انتهای دهه هفتاد مطالعاتی در زمینه تغییر رویکرد درس هنر در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش شروع گردید که در نهایت رویکرد دیسپلین محور با تغییراتی مبنای طراحی درس هنر قرار گرفت. در مقدمه کتاب راهنمای درس هنر تألیف ۱۳۹۰ در مورد رویکرد آموزش هنر ابتدایی چنین آمده است:

تربیت هنری را به پنج موضوع کلی می‌توان تفکیک کرد که عبارتند از: ارتباط با خلقت؛ زیبایی شناختی؛ تولید محصول هنری؛ آشنایی با میراث فرهنگی و تاریخ هنر ایران؛ نقد هنری» (رادپور، و همکاران ۱۳۹۱: ۲۳).

کلمه تربیت هنری در این نوشتار با مفهومی نزدیک به رویکرد آموزش هنر بر مبنای چهار مؤلفه: محصول هنری، تاریخ هنر، نقد هنری، زیبا شناختی بکار گرفته شده است. نویسندگان در مجموعه کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه آموزش هنر سعی کرده‌اند تمرین‌ها و شیوه پیشبرد

آموزش هنر تا حدود زیاد وفادار به رویکرد دیسیپلین محور باشد. البته بومی سازی این روش مد نظر بوده، با این وجود تعدادی از درس‌ها بیشتر به رویکرد کودک محور نزدیکی دارد. در طراحی و تدوین برنامه درسی هنر، هشت اصل مورد توجه قرار گرفته است. این اصول بدین شرح است:

- ۱- برخورداری درس هنر از جایگاه مستقل.
 - ۲- جامعیت محتوایی؛
 - ۳- انعطاف‌پذیری؛
 - ۴- کودک محوری؛
 - ۵- پرورش خلاقیت؛
 - ۶- تلفیق رشته‌های هنری؛
 - ۷- یادگیری مشارکتی؛
 - ۸- پویایی و استمرار
- (رادپور، و همکاران ۱۳۹۱: ۲۵).

در یک نگاه کلی رویکرد تربیت هنری، هنر را از مجموعه تولیدات کودک محور و یا تزئینی خارج می‌کند. آموزش مهارت‌های هنری ادامه پیدا می‌کند اما بجای رویکرد استقلالی به صورت تلفیقی اجرا می‌گردد، تلفیقی که بجز رشته‌های هنری به سایر دروس نیز گسترش پیدا می‌کند. در این روش هنر نیز از ابزارشناخت دانش‌آموز می‌باشد.

روش و جامعه آماری پژوهش

انتخاب نمونه‌ها بطور تصادفی در ترم اول سال ۱۳۹۴ انجام گردید. در این زمان مصاحبه‌هایی با ۲۴۰ نفر از ۵۰۰ دانشجوی رشته ابتدایی، در پردیس‌های شهر اصفهان شکل گرفت. در کنار گفتگو با افراد مذکور نمونه‌هایی از کارهای هنری آنها نیز بازدید و جمع‌آوری شد. دانشجو معلمان ذکر شده در دو گروه سنی و در دو دوره کارشناسی پیوسته و کارشناسی ناپیوسته تحصیل می‌نمودند. بدین ترتیب در بین آنها آموزگاران شاغل و با تجربه تدریس در دوره ابتدایی وجود داشت.

پرسش‌هایی که از دانشجویان و آموزگاران در گفتگوی آزاد (مصاحبه) پرسیده می‌شد دو هدف اصلی را دنبال می‌نمود، نخست تجربه‌های هنری کسب شده در دوران تحصیل پرسش شوندگان که با عنوان خاطرات نام گذاری شده بود. پرسش‌های مطرح شده در این بخش عبارت بود از: شما از آموزش هنر خود به ویژه در دوره ابتدایی چه خاطره‌ای دارید؟ آیا از آموزش‌های هنری ابتدایی درسی را به یاد دارید؟ در چه نوع فعالیت هنری شرکت می‌کردید؟ آموزش هنر

شما در ابتدایی متمرکز بر چه نوع هنرهایی بود؟ آیا شما به نقد هنری می‌پرداختید؟ آیا شما به آثار هنری نگاه می‌کردید و یا درباره آنها به گفتگو می‌پرداختید؟ آیا بین هنر و جهان پیرامون خود ارتباطی می‌دیدید؟ همین پرسش‌ها درباره واحدهای هنری دانشگاه فرهنگیان نیز پرسیده می‌شد.

پرسش‌های گروه نخست ضمن روشن سازی توانایی‌های هنری دانشجویان به عمل کرد آموزش و پرورش در آموزش‌های هنری دانش‌آموزان نیز اشاره می‌کند. در گروه دوم پرسش‌ها، علاقمندی و باورهای هنری دانشجو معلمان مد نظر قرار می‌گرفت. نمونه پرسش‌های این بخش عبارت بود از: آیا از کلاس‌های فوق برنامه یا آزاد هنری استفاده کرده یا می‌کنید؟ آیا با هنرمند یا مراکز هنری ارتباط دارید؟ آیا به بحث‌های هنری دامن می‌زنید و یا در بحث‌های هنری شرکت می‌کنید؟ آیا تاکنون اثر هنری خلق کرده‌اید که در مسابقه‌ای شرکت کرده و جایزه بگیرید؟ آیا به عنوان معلم برای آموزش هنر تدبیرهایی اندیشیده‌اید؟ شکل گفتگوی آزاد به این خاطر انتخاب گردید تا مصاحبه شوندگان با آسودگی خیال به سؤال‌ها پاسخ دهند و پاسخ‌ها واقعی باشند. همچنین فرصت کنند دامنه بحث را تا جایی که تمایل دارند گسترش دهند. داده‌های اصلی صحبت‌ها یادداشت می‌شد، همچنین با آگاهی آنها در بعضی از جلسات گفتگوها ضبط می‌گردید تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اغلب در ابتدا از دانشجویان خواسته می‌شد خاطراتی از زنگ هنر خود را تعریف کنند. تعدادی از سوالات در ضمن خاطره گویی پرسیده و پاسخ داده می‌شد. گستردگی این خاطرات از کلاس اول ابتدایی تا سوم راهنمایی را شامل می‌گردید.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دانشجویان رشته ابتدایی مشغول به تحصیل در دانشگاه فرهنگیان برداشتی را از آموزش هنر دارند که در دوران ابتدایی و راهنمایی برای آنها حاصل شده است. آنها هنر را معادل اثر هنری می‌دانند و به یاد می‌آورند که زنگ هنر اغلب به کارهایی مانند نقاشی و خوشنویسی پرداخته می‌شد. اکثریت دانشجویان در یک خاطره مشترک بودند که در دوران تحصیل آنها کمتر به درس هنر پرداخته می‌شده است. آنها به یاد می‌آورند که در بسیاری از موارد ساعات این درس به دروس دیگر اختصاص داده می‌شد. همچنین به یاد می‌آورند که در اغلب مواقع معلم‌ها شیوه‌ای برای آموزش هنر نداشتند و این کلاس با کارهای فردی و گاه

تکراری دانش‌آموزان به پایان می‌رسید. بیش از هشتاد درصد پرسش شوندگان خاطره‌ای در رابطه با آموزش هنر نداشتند. بیشترین خاطرات بیان شده مربوط به کلاس‌های دوره راهنمایی و آموزش آزاد هنری مانند تئاتر، نقاشی و موسیقی می‌باشد. خاطرات دوران ابتدایی شامل ترسیم حیوان یا شیوه خاصی از ترسیم انسان یا اشیاء بود که در ذهن آنها باقی مانده بود. در عمل هم گاه از همین شیوه‌ها استفاده می‌نمودند. بیشترین خاطرات از معلم و روش تدریس هنر متعلق به دوره راهنمایی بود. تعدادی از دانشجویان نام معلم هنر دوره راهنمایی خود را به یاد می‌آوردند. ارزیابی علاقه‌مندی عمومی به هنر در بین جامعه آماری پژوهش اندک می‌باشد. پرسش در مورد ثبت نام در کلاس‌های هنری و فوق برنامه اغلب با پاسخ منفی بیش از ۹۳ درصد مواجه می‌شد. اما حدود ۷ درصدی که پاسخ مثبت می‌دادند، کلاس‌های خوشنویسی، موسیقی، تئاتر و نقاشی را به ترتیب الویت نام می‌بردند. پرسش شوندگان آموزش تمامی هنرها را مفید نمی‌دانستند. آنها آموزش بعضی از هنرها به این دلیل که کاربرد مستقیمی در کار معلمی دارد را مفید می‌یافتند. حدود یک درصد از دانشجویان از عدم یادگیری هنر که به آن علاقه داشته‌اند و امکان آموزش نیافته‌اند ابراز تأسف می‌کردند.

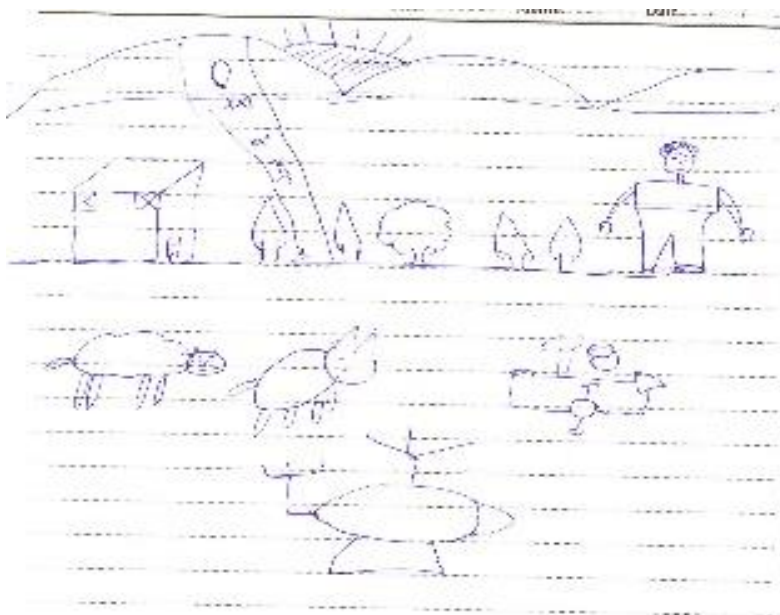
در بازدید آثار هنری افراد مورد پرسش، میزان مهارت آنها در حد پایین ارزیابی می‌شود (تصاویر ۱،۲،۳) نقاشی‌های انجام شده از نظر کیفیت شباهت زیادی به آثار دانش‌آموزان ابتدایی و متوسطه اول دارد. این نقاشی‌ها نشان می‌داد بین باورهای هنری دانشجو معلمان و عمل کرد هنری آنها هم‌گرایی وجود داد. همچنان که موضوع درس هنر را برای همه مفید نمی‌یابند تلاشی برای بهبود یادگیری خود نیز به عمل نیاورده‌اند. آثار آنها همچنین به کمیت و کیفیت آموزش‌های هنری آموزش و پرورش اشاره می‌نماید. با وجودی که آموزش عمومی هنر (در دوره ابتدایی و راهنمایی) در گذشته تنها به دو رشته نقاشی و خوشنویسی معطوف می‌شده اما عملکرد آموزش هنر در حداقل یادگیری بوده و مهارت‌چندانی به همراه نداشته است. در مورد سایر هنرها مانند نمایش و سرود نمونه‌هایی مورد بازدید قرار گرفت و مشاهده شد توانایی‌ها نسبت به نقاشی کمتر است.

طبق اظهار نظر اکثریت پرسش شوندگان در دوره تحصیل برای درس هنر معلم تخصصی وجود نداشته است. غیر جدی بودن این درس به ویژه در سطح ارزشیابی، تکراری بودن

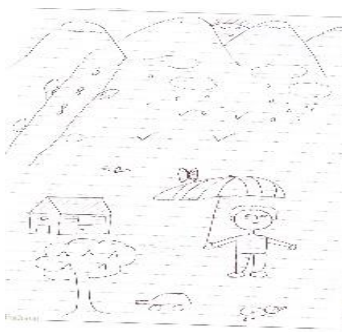
سرفصل‌های درس هنر در تمام دوره ابتدایی (نقاشی کردن بدون موضوع و آموزش) از دیگر نظرات آنها بود. قابل ذکر است دانشجویان و آموزگاران مورد گفتگو اطلاعات بسیار ضعیفی نسبت به رویکردهای آموزش هنر داشتند.

در مجموع یافته‌های این پژوهش را این گونه می‌توان برشمرد. از نظر سوال شوندگان ۱- هنر نوعی سرگرمی است. ۲- هنرهایی مهم هستند که به عنوان مهارت کاربرد مستقیم‌تری در امور زندگی داشته باشند. ۳- یادگیری هنر نیاز به علاقه و استعداد دارد که شامل همه افراد نمی‌شود. ۴- آموزش هنر بسیار ضروری نیست اما به آموزش بعضی از هنرها نیاز است.

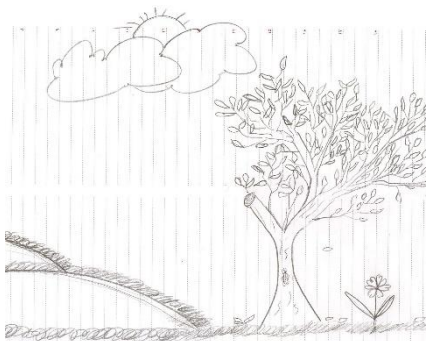
تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۳



دانشگاه فرهنگیان و آموزش هنر ویژه دانشجویان رشته ابتدایی

پس از روشن شدن رویکرد تربیت هنری و اهداف آموزش هنر در دوره ابتدایی، همچنین آگاهی از سطح مهارت‌های هنری دانشجو معلمان و باورهای آنها نسبت به آموزش هنر، به آخرین پرسش پژوهش می‌پردازیم که بسترهای آماده شده برای آموزش دانشجو معلمان رشته ابتدایی در بخش هنر می‌باشد.

مراکز تربیت معلم و در ادامه دانشگاه فرهنگیان به عنوان اصلی‌ترین نهاد عهده‌دار آموزش معلمان کشور بوده و می‌باشد. در حال حاضر دو گروه دانشجو در این دانشگاه حضور دارند. گروه اول که تجربه آموزش به دانش‌آموزان را دارند و معلم محسوب می‌شوند. این دانشجویان از نظر سنی اغلب بالای ۳۰ سال می‌باشند. گروه دوم دانشجویان با سنینی بین ۱۹ تا ۲۶ هستند که سابقه کار در آموزش و پرورش را ندارند. مراکز تربیت معلم با توجه به کمبود معلم و افزایش جمعیت در بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵، دانشجویان را در مقطع کاردانی فارغ التحصیل می‌کردند تا امکان استفاده از توان کاری دانشجویان امکان پذیر شود. با گذشت چند سال از فعالیت این مراکز امکان ادامه تحصیل معلمان در مراکز تربیت معلم فراهم آمد و دوره کاردانی به کارشناسی برای اغلب رشته‌ها از جمله رشته ابتدایی تاسیس شد. جدول شماره ۳ مشخصات تعداد واحد و عنوان‌های دروس هنری که در اختیار دانشجویان رشته ابتدایی در دو مقطع کاردانی و کارشناسی قرار می‌گرفت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳ مشخصات عنوان‌های دروس هنری ابتدایی دوره کاردانی و کارشناسی

شماره	تعداد واحد	عنوان واحد	دوره تحصیلی
۱	۲	آموزش هنر (طراحی و نقاشی)	کاردانی
۲	۲	آموزش کاردستی	کاردانی
۳	۲	آموزش خوشنویسی	کاردانی
۴	۲	روش تدریس هنر	کاردانی
۵	۲	روش تدریس کاردستی	کاردانی
۶	۲	روش تدریس خوشنویسی	کاردانی
۷	۲	آموزش هنر	کارشناسی
۸	۲	آموزش خوشنویسی	کارشناسی
جمع	۱۶		

سرفصل واحدهای ذکر شده در جدول شماره ۳ ترکیبی از چند رویکرد آموزشی هنر را نشان می‌دهد. رویکرد مبتنی بر تولید محصول هنری و استقلال هر هنر موجب شده در دوره‌های تربیت معلم، سه واحد نقاشی، خوشنویسی و کاردستی در دو حیطه کاربرد و روش تدریس، در اختیار دانشجویان رشته ابتدایی قرار گیرد. بدین ترتیب میزانی از مهارت‌های هنری برای معلمان ابتدایی فراهم می‌آید. موضوعات درسی و کیفیت آموزشی با رویکرد کودک محور تناسب داشت. اساتید هنر مراکز تربیت معلم بر مبنای استقلال رشته‌های هنری آموزش دیده و تدریس می‌کردند، درصد تخصص و دشواری هر هنر با توجه به سن دانش‌آموزانی که آموزگار باید عهده‌دار آموزش آنها می‌شد مشخص می‌گردید.

با تغییر نظام آموزشی دانشگاه فرهنگیان از دو مقطع تحصیلی به یک مقطع (کارشناسی) و تجدید نظر در سرفصل‌های درسی تعداد سرفصل‌های هنر ارائه شده در رشته ابتدایی از شانزده واحد به ۵ واحد کاهش داده شده است. در جدول ۴ واحدهای هنری رشته ابتدایی نمایش داده شده است.

کد	عنوان واحد	تعداد واحد	ساعات در طول ترم	دوره تحصیلی
۳۳۱۱۲۷	مبانی آموزش هنر	۲	۳۲	کارشناسی
۳۳۱۱۲۸	کارگاه آموزش هنر ۱	۱	۴۸	کارشناسی
۳۳۱۱۲۹	کارگاه آموزش هنر ۲	۱	۴۸	کارشناسی
۳۳۱۱۳۰	کارگاه آموزش هنر ۳	۱	۴۸	کارشناسی

اضافه بر این ۵ واحد تخصصی هنر، این دانشجویان ۱ واحد کاربرد هنر در آموزش را نیز باید بگذرانند. محتوای درسی این واحدها با رویکرد تربیت هنری نزدیکی دارد. در مقدمه سرفصل درس مبانی آموزش هنر آمده است:

آموزش هنر فرصت لازم برای مواجهه کودکان با دنیایی که مملو از اطلاعات در قالب‌های مختلف و پیچیده بصری شکل‌ها، اندازه‌ها، رنگ‌ها، الگوها، ساختارها و بافت‌ها را فراهم می‌کند. توجه به "تربیت هنری" در آموزش دوره ابتدایی موجب می‌شود تا دانش‌آموزان توانایی استفاده از "حواس" خود را یاد بگیرند و بتوانند اطلاعات را از منابع محیط پیرامون خود با دقت انتخاب و آنها را بر اساس معیارهای معتبر مورد بررسی و استفاده قرار دهند. توانایی معلمان در خلق فرصت‌های یادگیری با بهره‌گیری از قدرت تخیل، تفکر، حواس دانش‌آموزان به آنان کمک خواهد کرد تا ضمن تقویت رشد عاطفی و ذهنی دانش‌آموزان، از زبان هنر به عنوان یکی از شیوه‌های برقراری ارتباط برای کمک به یادگیری آنان در موضوعات درسی مختلف استفاده کنند (سرفصل دروس دوره کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی، ۱۳۹۳: ۱۳۷). همچنین در مقدمه کارگاه‌های هنر سرفصل درس ۱، ۲ و ۳ مطرح شده است:

«آموزش هنر به معلم، توانایی آنان را در خلق فرصت‌های یادگیری در درون و بیرون از حوزه یادگیری هنر افزایش می‌دهد و به آنان کمک می‌کند تا مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را با استفاده از ظرفیت هنر در آموزش موضوعات درسی مختلف برطرف نمایند. علاوه بر این خلق یک اثر هنری در رشته‌های مختلف به آنان این امکان را می‌دهد تا با ایده‌یابی، خلق ایده و ارزیابی اثر هنری تولید شده توانایی‌های هنری خود را شناسایی نموده و ضمن رشد و توسعه

ظرفیت‌های شخصی از زبان هنر در موقعیت‌های واقعی زندگی استفاده نمایند» (سرفصل دروس دوره کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی ۱۳۹۳: ۱۳۹).

در بررسی مهارت‌های هنری دانشجویان دریافت شد که توانایی‌های هنری آنها پایین می‌باشد. با توجه به مهارت‌های هنری که در مراکز تربیت معلم برای آموزگاران پیش بینی شده بود و عمل کرد آنها به طور عمومی این احساس فراهم می‌شود که یا مراکز تربیت معلم مهارت‌های هنری لازم را فراهم نمی‌آورده‌اند و یا میزان واحدهای هنری در دوره گذشته پایین بوده است و پاسخ گوی نیاز حرفه‌ای معلم در بخش هنر نبوده است. با توجه به رویکرد تربیت هنری و استفاده از هنر در ساختار آموزشی و شناختی کودکان، به نظر می‌رسد کاهش ساعات و واحدهای هنری مطلوب نباشد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیقاتی پیرامون آموزش هنر در مدارس ایران پیش از این انجام شده است. از این بین می‌توان به قورچیانی (۱۳۷۴)، کاظمی (۱۳۷۵)، مهرمحمدی و امینی (۱۳۸۰)، میرزابیگی (۱۳۷۰)، هراتی (۱۳۶۶)، امینی (۱۳۸۰) کوچک زاده (۱۳۸۴)، صابری و مهram (۱۳۹۰) و صابری و سعیدی رضوانی (۱۳۹۱) اشاره کرد. تقریباً در تمامی پژوهش‌ها رویکرد آموزش هنر مورد توجه قرار نگرفته است (به نقل از صابری ۱۳۹۲). رویکرد تربیت هنری اهداف جدیدی را برای آموزش هنر دانش‌آموزان پیش بینی کرده است. اجرای تربیت هنری با تلفیق رشته‌های هنری همراه است. آموزش پنج موضوع ارتباط با خلقت؛ زیبایی شناختی؛ تولید محصول هنری؛ آشنایی با میراث فرهنگی و تاریخ هنر ایران و نقد هنری در این رویکرد شکل می‌گیرد (رادپور، و همکاران ۱۳۹۱: ۱۲). توجه ب " تربیت هنری " در سرفصل‌های واحدهای هنری دانشجو معلمان نیز مورد تأکید قرار گرفته است (سرفصل دروس دوره کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی ۱۳۹۳ : ۱۳۷). به عبارت دیگر دانشگاه فرهنگیان نیز در هدف گذاری آموزش هنر خود قصد دارد آموزگاران با همین رویکرد پرورش یابند؛ اما یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین باورها و توانایی‌های هنری آموزگاران و دانشجو معلمان با انتظار آموزش و پرورش در رویکرد تربیت هنری همسانی وجود ندارد. اغلب سوال شوندگان در این پژوهش از رویکرد تربیت هنری اطلاع دقیقی نداشتند.

دانشجویان رشته ابتدایی دانشگاه فرهنگیان با شروع کار در آموزش و پرورش حداقل به مدت ۳۰ سال عهده دار پرورش دانش آموزان خواهند بود. آموزش‌هایی که در دانشگاه برای آنها تدارک دیده شده (جدول شماره ۴) پایه اصلی مهارت‌های هنری آنها را تشکیل می‌دهد. با توجه به تغییرات حاصل شده در شیوه‌های آموزش هنر در مدارس ابتدایی و حرکت به سمت رویکرد تربیت هنری، نیاز است به جزء تأمین آموزش‌های جاری در جهت ایجاد مهارت‌های هنری، نسبت به تغییر نگرش‌های هنری دانشجویان نیز تلاش شود. دستیابی به اهداف جدید آموزش هنر در دوره ابتدایی نیازمند معلمان پژوهشگر و آگاه از رویکرد تربیت هنری است. برای حل مشکل طرح شده پیشنهاد می‌گردد: رویکردهای جدید آموزش هنر و اهمیت آن برای معاونت‌های آموزشی و اساتید دانشگاه فرهنگیان به ویژه اساتید رشته هنر توضیح داده شود، اجرای درست سرفصل‌های موجود از سوی اساتید هنر دانشگاه فرهنگیان تا حدود نیاز شغلی دانشجویان را بر طرف می‌سازد. با توجه به تعداد کم واحدهای هنری ارائه شده به دانشجویان ابتدایی، پیشنهاد می‌شود: در کوتاه مدت از طریق دوره‌های ضمن خدمت برای دانشجو معلمان و آموزگاران امکان آموزش بیشتر فراهم آید. این دوره‌ها وقتی مفید خواهند بود که از اساتید کارآمد و آگاه از رویکرد استفاده شود و فراگیران نیز به اهمیت موضوع واقف شوند. در میان مدت با بازنگری در سرفصل‌های آموزشی و حضور هنر در دروس مختلف و در صورت امکان افزایش واحدهای هنری، زمینه اجرایی شدن رویکرد تربیت هنری در دانشگاه فرهنگیان را فراهم آورد. این اتفاق می‌تواند باورهای دانشجویان را نسبت به هنر متحول سازد. در بلند مدت و با توجه به تنوع دروس رشته ابتدایی^۱ در نهایت نمی‌توان تمام مهارت‌های مورد نیاز رویکرد تربیت هنری را برای آنها فراهم آورد به همین علت ایجاد رشته آموزشیار هنر توصیه می‌شود تا آموزشیاران هنر در کنار آموزگاران با تخصص کافی هنر در کلاس‌های درس حاضر شوند. همچنین برای صحت‌یابی موضوع این پژوهش پیشنهاد می‌گردد پس از شروع به کار دانشجویان رشته ابتدایی دانشگاه فرهنگیان در آموزش و پرورش، عملکرد آنها در تدریس درس هنر با معیار رویکرد تربیت هنری مورد پژوهش قرار گیرد.

۱. تنوع دروس و سرفصلی در رشته ابتدایی نسبت به سایر رشته‌های دانشگاه فرهنگیان بسیار زیاد است. برای درک موضوع سرفصل دروس دوره کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۳). ویرایش چهارم مطالعه شود.

منابع

- رادپور، فاطمه و همکاران (۱۳۹۱). راهنمای درس هنر باری معلمان پایه‌های اول، دوم، سوم ابتدایی. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتابهای درسی.
- رادپور، فاطمه و همکاران (۱۳۹۱). راهنمای درس هنر باری معلمان پایه‌های چهارم، پنجم، ششم ابتدایی. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتابهای درسی.
- سند راهبردی تحول نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سرفصل‌های آموزشی مراکز تربیت معلم رشته آموزش ابتدایی. سرفصل دروس دوره کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۳). ویرایش چهارم.
- صابری، صابری (۱۳۹۰). جایگاه ابعاد هنری و ساختار محتوای در کتاب‌های درسی آموزش هنر دوره راهنمایی: گامی در شناخت برنامه درسی مغفول. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز. بهار و تابستان ۱۳۹۰
- صابری، رضا (۱۳۹۲) و همکاران. واکاوی جایگاه رویکرد موجود در برنامه درسی هنر دوره راهنمایی. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز پاییز و زمستان ۱۳۹۲
- فایل‌های صوتی (۱۳۹۳). گفتگوهای آزاد با دانشجویان. انجام شده در مرکز دانشگاه فرهنگیان.
- قره باغی، علی اصغر (۱۳۸۰). هنر نقد هنری. مجله: گلستان سی و دوم.
- گودالیوس، ایوان؛ اسپیرز، پک (۱۳۹۰). رویکردهای معاصر در آموزش هنر. ترجمه فرشته صاحب قلم. تهران: نشر نظر.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳) آموزش عمومی هنر؛ چیستی، چرایی، چگونه. تهران: انتشارات مدرسه.

Lisa, Lajevic.(2013). Arts Integration: What is Really Happening in the Elementary Classroom?. Journal for Learning through the Arts, 9(1).

Lemon, Narelle.(2013). What is the Role of the Arts in a Primary School?: An Investigation of Perceptions of Pre-Service Teachers in Australia. Australian Journal of Teacher Education Vol 38, 9, September 2013.

School Students' Interpretation of Visual World.Educational Sciences: Theory & Practice - 11(3) • Summer 2011.

ارزیابی نیاز دانشجو معلمان رشته ابتدایی دانشگاه فرهنگیان ...

Archive of SID

Turkcan,Burcin, Yasar, Sefik.(2011). The Role of Visual Culture Studies
on Primary.